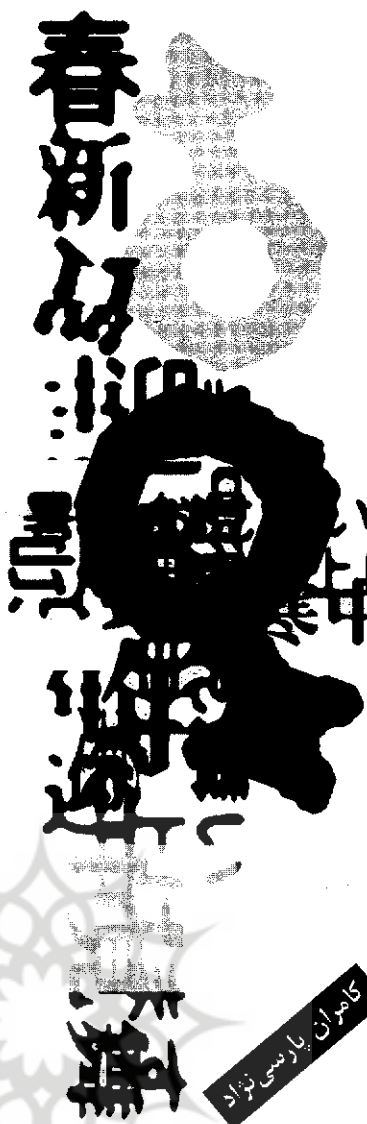




دوربین زنان چینی



کامران یارسی نژاد

نیات و مقاصد خود قرار دهند.

ادبیات زنان زیبارو (pretty women lit) و یا ادبیات زنان چینی (Chinese women's lit) نیز از این قاعده مستثنا نیست.

این ادبیات در اوایل قرن هفدهم در کشور چین ظهور کرد و بعدها در اواخر قرن بیستم به کشور آمریکا منتقل و تبدیل به ادبیات استعماری شد. در دوره اولیه، بسیاری از آثار ادبی خلق شده توسط زنان چینی، بیانگر طغیان و اعتراض آنان علیه شرایط نامطلوب زمانه بوده است. اگرچه در آن دوران زنان شجاعت لازم برای تقابل آشکار را نداشتند، اما پناه بردن به وادی ادبیات، این امکان را به آنها داد تا به طور غیرمستقیم و با استفاده از فنون و صناعات ادبی، حرف دل خود را بازگو کنند. این در حالی است که پیش از حضرت مسیح، جامعه چین باستان بر پایه مبانی و قوانین مدارسالاری بنا شده بود، اما به تدریج بافت اجتماعی تغییر یافت و به جامعه مردسالاری خشن مبدل گشت. در آن دوران، تمامی آثار ادبی چون داستانها، حکایات و اشعار سروده مردان، به نوعی، زنان و مادران را تحقیر می کرد. بسیاری از ضربالمثل های مطرح در آن روزگار، نشانه چنین مسئله های است:

«پرورش غاز خیلی پرسودتر از داشتن دختر است.»
«زنی که استعداد ندارد، پاکدامن هم نیست.»

مشخص است که در آن زمان، مقام زنان بسیار پایین و پست بوده است. به گونه ای که گاه زنان از موقعیت پایین تری نسبت به حیوانات خانگی برخوردار بوده اند. وجود زنان برده، همسران موقت بسیار، دخترکشی و بستن پای تمامی دختران، که منجر به زخم شدن و وارد آمدن آسیب های جدی می شد، امری طبیعی و مرسوم بوده است.

کنفوسیوس حکیم (۴۷۹-۵۵۱ ق.م.) که پیش از میلاد مسیح می زیست، به زنان از منظر بسیار پائینی نگاه می کرد. او اصولاً زیاد درباره زنان صحبت نمی کرد، اما وقتی هم سخنی از آنها به میان می آورد، غالباً از «صفات برده» و «انسانهای کوچک» برای آنان استفاده می کرد. پیش از ظهور مسیح (ع)، زنان در چین می بایست آموزش لازم برای برخورد حساب شده با مردان را می دیدند. در این راستا، سه اصل مهم به زنان تفهیم می شد:

«مطیع باش، کار کن و پاکدامن باش.»

زنان پس از مرگ همسر می بایست از فرزند پسرشان اطاعت می کردند. تئوریسن این نوع آموزشها در جامعه سنتی چین، یک زن تحصیل کرده چینی به نام «بان تسو» (Bantso) بود که خود به هیچ عنوان به ایده ها و طرحهایی که ارائه می داد، عمل نمی کرد. در چنین شرایطی، اگر زنی پس از مرگ همسر دست به خودکشی می زد، از او تقدیر به عمل می آمد و برایش آرامگاه زیبایی ساخته می شد. به همین دلیل، در چین آن زمان، تعداد مقبره های باشکوه برای زنان، بیش از سایر ملل بود.

غریبان بر این باورند که تحول و تغییر عمده در ساختار اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی چین، توسط آنها و به خاطر نزدیکی چین به کشورهای غربی صورت پذیرفت. آنها سیر تحولات فرهنگی مردم چین را از اواسط قرن نوزده تا اواسط قرن بیست ذکر می کنند. مسیونرهای مسیحی و دانشمندان و فیلسوفانی که مبلغ دمکراسی از نوع غربی بودند، به عنوان پیشگامان این حرکت وسیع اجتماعی و فرهنگی شناخته شده اند.

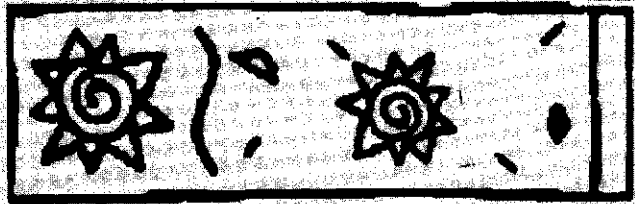
پس از هجوم ایدئولوژی غرب، زنان چینی نسبت به شرایط دوران خود قیام کردند و دم از استقلال فردی و آزادی زدند.

ادبیات استعمار نو (Post Colonial Literature)،

که در صد ساخت ژرفای اندیشه، سنن، فرهنگ و... ملل تحت سیطره خود است و به طور آشکارا قصد تبلیغ فرهنگ و باورهای غرب و نمایان سازی اقتدار و روحیه جاه طلبی ابرقدرتها را دارد، دارای قلمرو گسترده بسیار عظیمی است که بسیاری از جریانها و مکاتب ادبی را تحت پوشش خود قرار داده تا بدین طریق به اهداف شوم استعماری خود دست یازد. مکاتب ادبی مدرنیسم، پست مدرنیسم و رئالیسم جادویی و بسیاری از جریانها و قوالب ادبی همچون ادبیات فمینیستی، ادبیات نویسندگان آفریقائی آمریکائی، ادبیات نویسندگان آسیای آمریکایی و ادبیات نویسندگان چینی آمریکایی یا به تعبیری دیگر «ادبیات زنان زیبارو» تمامی در خدمت ملل استعمارگر خاصه آمریکا و انگلیس بوده است.

استعمارگران پیش از آنکه اجرای طرحهای استعماری خود را به صورت جدی و همه جانبه آغاز کنند، از نویسندگان بومی همان مناطق که سالیان طولانی در کشورهای غربی رشد و نمو کرده اند می خواهند تا آثار ادبی خود را که غالباً داستان و رمان می باشند خلق کنند. آنچنان که پیش از یورش آمریکا به عراق رمانهای زیادی مبنی بر وجود سلاحهای هسته ای در عراق و حضور نیروهای ترویستی عرب در منطقه خلق شد.

نکته قابل اعتناء علنی بودن طرحهای استعماری در وادی ادبیات و مشخص بودن هویت نویسندگان استعمار نو است. معمولاً استعمارگران پس از ظهور هر جریان ادبی در مناطق مختلف، بر آن هستند تا این جریانها و نحله ها را در راستای



پس از هجوم ایدئولوژی غرب، زنان چینی نسبت به شرایط دوران خود قیام کردند و دم از استقلال فردی و آزادی زدند. آنها حتی بعدها به آثار شیستهای مبطل شدند که از ترور مردان دیکتاتور ابایی نداشتند. در پی آن، زنان متأثر از نیت و هدف خاص ابرقدرتها، بر آن شدند تا حکومت چینگ (Ching) را سرنگون سازند. آنها برای خود ارتشی تدارک دیدند و به تشکیل گروههای انتحاری مبادرت ورزیدند.

آنها حتی بعدها به آثار شیستهای مبطل شدند که از ترور مردان دیکتاتور ابایی نداشتند. در پی آن، زنان متأثر از نیت و هدف خاص ابرقدرتها، بر آن شدند تا حکومت چینگ (Ching) را سرنگون سازند. آنها برای خود ارتشی تدارک دیدند و به تشکیل گروههای انتحاری مبادرت ورزیدند.

پس از برقراری جمهوری در سال ۱۹۱۱، زنانی که همچنان معترض بودند و نمی‌توانستند حکومت مائو را تحمل کنند، دست به مهاجرت زدند و در کشور آمریکا «ادبیات زنان زیارو» یا «زنان چینی» را بنا نهادند.

کشور چین تا مدتهای مدیدی برای غربیان سرزمینی اسرارآمیز بود. در آن مقطع از زمان، ادبیات زنان نویسنده چینی نیز از نظر غربیان مخفی ماند. در قیاس میان ادبیات زنان و مردان چینی، مشخص می‌شود که ادبیات زنان چینی بسیار در حاشیه قرار داشته است. با این حال، این ادبیات بسیار غنی بوده و نشان‌دهنده تمدن و فرهنگ متنوع و جذاب مردم آن سرزمین است.

در اوایل قرن نوزدهم، فشارهای اقتصادی شدید در جامعه چین و خط و ربطهایی که بازارهای بین‌المللی اقتصادی اعمال می‌کردند، زنان چینی را به فساد اخلاقی سوق داد. در چنین شرایطی، از زنان توقع می‌رفت تا نقش سرپرست‌ساری را ایفا کنند. زنان نویسنده چینی، در این دوره زشته همچنان به خلق آثار ادبی خود مبادرت ورزیدند تا هویت فردی خود را مطرح سازند. در چنین اوضاع و احوالی، از زنان خواسته می‌شد تا برای رونق اقتصاد در سطوح مختلف جامعه، جسم خود را پیشکش کنند. در حال حاضر، برخی از محققین، به بررسی موقعیت زنان در آن مقطع خاص مشغول‌اند.

در دوره‌های اولیه، غالب زنان نویسنده که به زبان چینی آثارشان را خلق کردند، به دربار سلطنتی و حرمسراهای امپراطوری تعلق داشتند. این زنان غالباً در شهر ممنوعه زندگی می‌کردند.

در قرن ۱۵ و ۱۶، یعنی دوره زمامداری مینگ (ming)، کینگ (Qing) و سونگ (Song)، زنان اشراف‌زاده با هویت جدیدی ظهور کردند. این زنان، آزادانه به خلق آثار ادبی برای خود مبادرت می‌ورزیدند. در قرن ۱۸ و ۱۹، زنان فاسد دربار نیز به جمع نویسندگان زن چینی اضافه شدند.

در همین دوران، برخی زنان چینی که به آیین مسیحیت درآمده بودند و به کار موعظه و ترویج آئین مسیح مبادرت می‌ورزیدند، با خلق آثار ادبی، به این وظیفه خود عمل می‌کردند.

«ویلت ایدیما» (Wilt idema)، پروفیسور آمریکایی مدرس ادبیات چینی در دانشگاه هاروارد معتقد است: «در امپراطوری چینی، زنان شعر می‌سرودند، نمایشنامه می‌نوشتند، منظومه می‌سرودند و داستان می‌نوشتند. آنها توانسته بودند در دوره‌های خاص تاریخی، برخی گونه‌های ادبی را ارتقا دهند.»

زنان چینی با وجود فعالیت و کار روزانه بسیار شدید، پیوسته به خلق آثار مکتوب مبادرت می‌ورزیدند و خللی در کار آنها پدید نمی‌آمد. آنها با استفاده از قالبهای ادبی رایج، توانستند تصویر روشن و واضحی از شرایط زندگی زنان مطرح سازند. آنها حتی از قالب ادبی شعر که دارای محدودیتهای خاص است، ترسیم موقعیت خود و بیان آرا و اعتقادات مطرح در آن روزگار، استفاده کردند. به همین دلیل، اشعار خلق شده، بیشتر به صورت توصیف، شرح کاملی از زندگی انسانها را مطرح می‌ساخت.

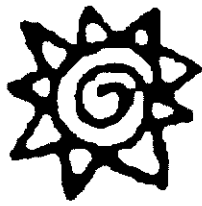
ایدیما می‌گوید: «مردم چینی به شدت به اصل تناسخ اعتقاد دارند و گاه جان‌هایی ارواح در کالدهای مختلف را در داستانها و اشعار خود مطرح می‌کردند. این ارواح از بدن انسان خارج می‌شدند و گاهی اوقات به بدن حیواناتی فرو می‌رفتند و در بعضی مواقع، این انتقال برعکس صورت می‌پذیرفت. برای آنها خروج از دنیای حیوانات و ورود به دنیای انسانها، بسیار بااهمیت و ارزشمند به حساب می‌آمد. بسیاری دوست می‌داشتند که پس از مرگ، روحشان در کالبد افرادی که بعدها در سرزمین ممنوعه قرار بود زندگی کنند وارد شود. چراکه در دستگاه حکومتی، مردان از امتیاز خوبی برخوردار بودند. اگر هم روحی قرار بود به کالبد زنی وارد شود، بهتر بود در بدن یکی از زنان شهر ممنوعه برود.»

بسیاری از زنان، در این ارتباط، آثار مهمی خلق کرده‌اند و از زاویه دیدهای مختلفی، مسائل پیرامون تناسخ و فرهنگ مردم چین را مورد ارزیابی قرار دادند.

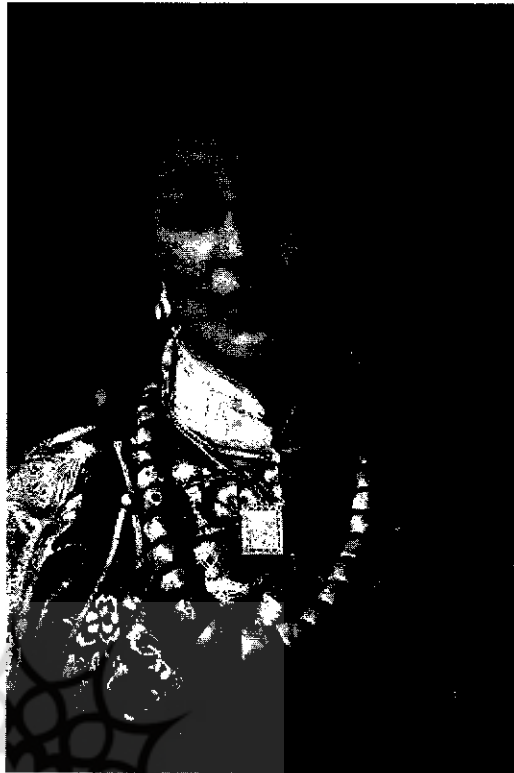
مشهورترین زن فاسدی که در چین شعر می‌سرود، «لیوشی» (Liu shi) نام داشت. این زن در قرن ۱۷ زندگی می‌کرد. لازم به ذکر است که در طی دورانهای مختلف، گاه آزادیهای نسبی بیشتری برای بیان عقاید به زنان داده می‌شد؛ و با توجه به تغییر شرایط دوران، از آنها پس گرفته می‌شد. به‌طور مثال، در خلال جنگهای روی داده در چین، زنان از آزادی بیشتری برای بیان عقاید خود برخوردار می‌شدند.

«ایدیما» معتقد است در قرن هفده، از شعر بیشتر برای





春新夏主迎賀年迎



بیان نیازها و افکار زنانه استفاده می‌شود. این در حالی بود که شعر همچون داستان نمی‌توانست با دقت و ریزیابی خاص، مطرح‌کننده تمام شرایط موجود باشد.

لازم به ذکر است اشعار سروده شده توسط زنان، مورد توجه منتقدین مرد قرار گرفت. آنان با توجه به گرایش‌های مردانه خود، به نقد و بررسی این آثار مبادرت می‌ورزیدند.

شرایط سخت روزگار باعث می‌شد تا زنان هنگام خلق آثار، محدودیت‌هایی را خود برای خود ایجاد کنند. در صورتی که توقع می‌رفت که در اشعار سروده شده، نوعی خلوص نیت و بیان احساسات ناب وجود داشته باشد.

از موارد استثنای آن روزگار در این باره، می‌توان به زنی بنام «زنگ یون دوان» (zheng yun duan) اشاره داشت. او به سبک و سیاق زنانه می‌نوشت، اما چون مردان، به مسائل جدی و مهم پیرامونش اشاره داشت. او اشعار زیادی سرود. این اشعار به خود او تعلق داشت و از هیچ کسی الهام نمی‌گرفت.

در آن مقطع، نمایشنامه‌نویسی، منظومه‌سرایی و داستان، از جایگاه پایین‌تری نسبت به شعر برخوردار بود. چراکه زنان به یاری ایهام و سایر فنون ادبی، می‌توانستند امیال، آرزوها و ذهنیات خود را به‌طور غیرمستقیم مطرح سازند و کسی بر آنها خرده نگیرد. پس از سپری کردن یک دوره، زنان دریافته‌اند که در زندگی فردی‌شان مسائلی وجود دارد که اگر به زبان شعر بیان شود غیرقابل حس و غیرقابل درک خواهند بود. آنان متوجه شدند برای طرح مسائل مهم زندگی خود، نیازمند استفاده از قالب ادبی داستان هستند. داستان این امکان را در اختیار آنها می‌گذاشت تا با درستی و ریزیابی خاصی، مسائل مختلف زنان را از ابعاد مختلف بررسی و حل‌الحاجی کنند. داستان می‌توانست تمامی مسائل گوناگون زنان را در نظر مخاطبان منطقی جلوه دهد و آنها را با عمق قاجعه آشنا سازد. در صورتی که شعر، قدرت و انعطاف‌پذیری داستان را در تصویرگری زندگی با تمامی

مسائل و رویدادهایش نداشت.

در این زمان، مضمون زنی که تک و تنها به سفرهای طولانی دست می‌زند و با خطرات مختلفی مواجه می‌شود چون نمی‌خواهد از قوانین و سنن سخت آن روزگار که غالباً ازدواج اجباری بود پیروی کند، رایج بود این نوع از داستانها، به افسانه و حماسه بیشتر شباهت داشتند. زنان در طی این سفرها، در جامه مردانه خود را استتار می‌کردند. برخی از زنها به دلیل اذیت و آزار اطرافیان مجبور به ترک خانه‌ها می‌شدند. ایديما می‌گوید: «این طبیعی است دختری که لباس مردانه پوشیده و از خانه گریخته، بخواهد همچون مردان زندگی کند و چون مردان رفتار کند. این زن مجبور است تواناییهای جسمانی خود را به سطح مردان برساند.»

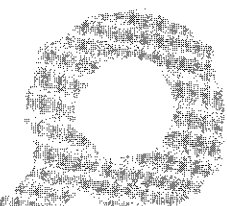
زنان در این قبیل آثار، گاه در نبردهای رزمی شرکت می‌جستند، گاه مجبور بودند به معماها و سؤالات هوشی که دیگران طرح کرده بودند پاسخ دهند، و همواره چهره خود را از نظرها پنهان سازند.

از آنجا که داستان‌نویسی زنان با محدودیت‌های زیاد مواجه بود، تمام آثار خلق شده، تحت تأثیر تفکر مردسالارانه بود. اگر مردی حتی احساس می‌کرد خلق آثار هنری همسرش صرفاً وقت تلف کردن است، آن زن می‌بایست دست از کار می‌کشید و با وصیت‌نامه‌ای که تدوین می‌کرد، این‌گونه آثار را به پسران یا نوه‌های خود تحویل می‌داد تا شاید روزی و روزگاری، در آتیه، ناشری این آثار ادبی را از آنها می‌پذیرفت و منتشر می‌ساخت.

در برخی دوره‌های خاص، ناشرین، که تمامی مرد بودند، از آثار ادبی زنان در چین حمایت می‌کردند. در برخی مواقع هم، آثار زنان مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت. تا اینکه در بخشی از ایالت کوچکی از ایالات جنوبی هونان (Hunan)، زانی روستایی، به صورت مدون و انسجام یافته، ادبیات زنان نویسنده را پایه‌گذاری و مطرح ساختند. آنها به جای استفاده از زبان چینی، در خلق آثارشان از زبان فوتتیک استفاده می‌کردند. در این مقطع، اولین منظومه‌های ارزشمند، توسط زنان چینی خلق شد. در این قبیل آثار، که تحت عنوان «کتابهای سومین روز» مشهور است، به دختران جوان، پس از سومین روز ازدواجشان نامه‌ای ارسال می‌شد. در این نامه، چنین نوشته شده بود: «زندگی در آینده سخت خواهد بود. پس، مقاوم باش.» در این نوع از داستانها، زن به‌عنوان محور اصلی شکل‌دهنده حوادث به حساب می‌آمد. این در حالی بود که تا پایان قرن نوزدهم، در زندگی حقیقی زنان چینی، عملاً هیچ‌گونه تغییر و تحولی ایجاد نگشت، و زنان مؤلف نیز، کاملاً به مصایب زندگی زن چینی اشراف داشتند.

«کنو جین» (Qiu Jin) یکی از زنان قدرتمند و جسور فمینیست بود که مقارن با پایان دوران امپراطوری در چین زندگی می‌کرد و به خلق آثار ادبی مبادرت می‌ورزید. او اولین زنی بود که کاملاً دیدگاه‌های فمینیستی داشت و در عرصه ادبیات با همین نگاه قلمفرسایی می‌کرد. او در سال ۱۹۰۷ به دلیل فعالیت شدید بر علیه امپراطور «کینگ» (Qing) اعدام شد. بعد از این، شخصیت او به یک شخصیت اسطوره‌ای و نمادین مبدل گشت.

او نماد زنان مبارزی شد که در طول حیات پرمشقتشان با سانسور درگیر بودند. او تنها زنی بود که با شجاعت هرچه تمامتر دیدگاه‌های فمینیستی خود را در آثارش مطرح ساخت و از آنها دفاع کرد. در صورتی که بقیه زنان چینی، در آثارشان از جامعه مردسالاری حمایت می‌کردند. چون می‌خواستند این قبیل آثار، مورد حمایت قرار گیرد، درواقع، آنها علی‌رغم میل باطنی خود،



مجبور به سکوت بودند و واقعیات را کتمان می کردند بعد از مرگ «کنو جین» شرح زندگی اش در قالب داستان و به قلم خودش منتشر گشت، او در شرایطی بس حساس و بحران برانگیز زندگی می کرد. ناکسون هیچ منتقد و محققی پیرامون زندگی، اندیشه و موقعیت سخنی که در آن زندگی می کرد کاری انجام نداده است. آیا او یا میل باطنی به مبارزه دست زد؟ در لحظه اعدام چه احساسی داشت؟ آیا او اومانگرا بود، یا اینکه چیز زمانه او را به این راه انداخت و در پایان قربانی کرد؟

منتقدین ادبی بر این باور هستند که شرح حال نویسی او در قالب داستان، با سایر رهنمای مشابه کاملاً متفاوت است. پس از او، زنان توجه خود را معطوف شرح تغییرات و تحولات زندگی خود در بستر زمان کردند. آنان رفته رفته قدرت قابل توجهی در محیط خانه پیدا می کردند. صاحبان مسائل اجتماعی، آن دوره خاص را، «خانه مادری» نام نهاده اند. این دوره باعث گردید تا زنان جوان، شجاعت لازم را برای طرح مسائل و اعلام هویت فردی خود پیدا کردند. در تمامی آثار خلق شده، اعم از داستان، داستان کوتاه، نمایشنامه و شعر، نوعی مضمون مشترک وجود داشت. مضمونی که به اختلافهای بروز کرده و شرح قوانین سنتی و دوری جستن زنان از آنها اشاره داشت.

بعد از انقلاب مارکسیستی و روی کار آمدن مائو، زنان دربارۀ عشق مادری سخن راندند، و توانستند زندگی خصوصی خود را به تصویر کشند. آنها در بطن آثار خود، به راحتی می توانستند احساسات عمیق خود را نسبت به بسیاری چیزها بیان کنند. نقش پذیری زنان با هویت صادر و گرفتن چهره و نماد مادری، باعث می شد تا محدودیتها همچنان برای زنان باقی بماند. اما هویت جدید، بسیار مورد توجه مردم چین قرار گرفت، و برای اولین بار، از مقام زن تقدیر به عمل آمد.

همین مسئله باعث گردید تا دختران جوان، شجاعت لازم برای ایفای نقش در جامعه را پیدا کنند. درواقع، دختران جوان برای حضور چشمگیرشان در جامعه، به چنین پشتوانه ای نیاز داشتند.

از سویی دیگر، ادبیات سوسیالیستی در چین، در صدد بود برای مردم و خاصه زنان، الگوهای از پیش تعیین شده ای ارائه دهد. در نتیجه، زنان به تقابل با آرمانها و اهداف انقلاب کمونیستی برخاستند. در سال ۱۹۸۰، زنان دوباره به مقوله مهر مادری و رابطه میان مادر و دختر توجه نشان دادند، و به جایی پیروی از اهداف کمونیستی، به خلق آثارشان در این ارتباط مبادرت ورزیدند. در همین دوره بود که زنی به نام «یولتو جین» (yuluo jin)، به شرح زندگی عاطفی و عاشقانه خود پرداخت و ناراحتیهایی را که دولت کمونیستی برای او فراهم ساخته بود، شجاعانه بیان کرد. این اثر، با سانسور شدید مواجه شد. دومین اثر او، پس از انتشار، جمع شد. با همه این اوصاف و با تمامی فشارهای حکومت کمونیستی، زنان مجال لازم برای طرح زندگی خصوصی خود را یافتند.

سالهای پرتلاطم و بحرانی فرا رسید. سال ۱۹۹۰ برای چین، سال بحران اقتصادی بود. در این دوره، بازارهای جهانی و تجارت بین المللی، به دلیل شرایط سخت چین، به درون این جامعه نفوذ کردند، و به طور کلی، شیوه زندگی و شیوه خلق آثار ادبی در چین را بر اساس خواسته های خود تغییر دادند. به همین دلیل، ایدئولوژی و آرمانهای حکومت سوسیالیستی به تقلیل یا توصیفات شخصی پرداخت.

این کتاب در دسترس است و می توانید آن را از کتابخانه های عمومی و خصوصی خود تهیه کنید. این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است و به نام «زنان در جستجوی هویت» منتشر شده است. این کتاب به بررسی زندگی زنان در چین در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ می پردازد و به بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی در آن دوره می پردازد. این کتاب به بررسی نقش زنان در جامعه چین در آن دوره می پردازد و به بررسی تغییرات در زندگی روزمره و حرفه ای آنها می پردازد. این کتاب به بررسی نقش زنان در جنبش های اجتماعی و فرهنگی در آن دوره می پردازد و به بررسی تغییرات در زندگی روزمره و حرفه ای آنها می پردازد. این کتاب به بررسی نقش زنان در جنبش های اجتماعی و فرهنگی در آن دوره می پردازد و به بررسی تغییرات در زندگی روزمره و حرفه ای آنها می پردازد.

شرکتهای بزرگ تجاری و بازار بین الملل غرب، به دلیل رکود اقتصادی در چین، توانستند آرام آرام در این کشور نفوذ کنند و در شکل گیری زن معاصر چین، سهمیم باشند. آنان با شناخت کافی از موقعیت بد و دشوار چین، اهداف امپریالیستی خود را در کالبد جامعه نویسندگان زن چینی وارد ساختند. از آن پس نویسندگان زن چینی در خدمت غربیان قرار گرفتند و رفته رفته به زندگی به سبک غربی، به تفکر به سبک غربی و به خلق آثار به سبک غربی گرایش پیدا کردند.

از معدود نویسندگان مشهور چینی که در مقابل فشارهای بی امان غربیان برای تهاجم فرهنگی مقاومت کردند و هویت اصیل خود را حفظ کردند می توان به «وونگ آبی» (Wang Anyi)، «چون رن» (Chon Ran) و لین بای (Lin Bai) اشاره داشت.

زنان نویسنده غرب زده چینی، با آشنایی با شیوه های روایتی مدرن چون جریان سیال ذهن، بیان رؤیایها و حوادث از هم پاره شده و دیگر شیوه های داستان نویسی، به شرح توهمات، حضور در خلأ و تمایلات درونی گنگ و پیچیده خود اقدام کردند. استفاده از چنین شیوه هایی، که با اهداف و نیت ادبیات استعمار نو تدوین گشته بود، باعث شد تا زنان نویسنده چینی، کاملاً در مسیر اهداف از پیش تعیین شده غرب قرار گیرند.

در غالب این آثار، زنان به شرح تمایلات جنسی، خوشگذرانی، سطحی نگری، پوچ پنداری و... مبادرت ورزیدند. رفته رفته آنان احساس کردند تحمیل زندگی در چین را نتوانند. به همین دلیل، زنان نویسنده چینی، به آمریکا و سایر کشورهای اروپایی هجرت کردند. وجود محدودیت های شدید گذشته و مواجه شدن با آزادی بی حد و مرز اخلاقی غربی، باعث گردید تا این زنان به راه خطا افتاده، به عنوان زنان زیباروی چینی شناخته شوند. این زنان، از انجام هیچ کاری ابل نداشتند؛ و به مفاسد اجتماعی روی آوردند. آنان همچنین، به نگارش داستانها و سرودن اشعار سیاسی علیه حکومت سوسیالیستی چین مبادرت ورزیدند؛ و در پی آن، به سنن، اعتقادات و فرهنگ مردم سرزمین خود یورش بردند. در این میان، بسیاری از سنن و باورهای درست و بنیادین چینی، در کنار سنن اشتباه قرار گرفتند، و از دم تیغ گذشتند.





中國婦女文學

برای مردم غرب، رمانهایی که زنان چینی زیبارو خلق می کردند، بسیار جذاب و خواندنی بود. از طریق این آثار، غربیان به کشف تمامی رازهای سرزمین چین پی می بردند. حضور در فضاها و مکانهای جدید در داستانهای زنان چینی، داستانها را از حالت یکنواختی آثار غربی خارج ساخت، و موج عظیمی در بستر جامعه غرب پدید آورد. در این میان، آثاری که به دست مردم غرب می رسید، به نوعی، تأییدکننده فرهنگ غربی و رد سنن مردم آسیایی بود. چراکه این آثار، به دستور استعمارگران و با طرح اولیه آنها خلق می شد. این آثار، همچنین با اهداف بازارهای جهانی همخوانی داشت، و تراستها و کارتلها را راضی می کرد. ونگ (Wang) معتقد است: مهم ترین مسئله این است که دریا بیم چگونه این زنان نویسنده، از ابزار نویسندگی استفاده کنند. او به آزادی زنان معتقد است، و معتقد است که باید هویت اصیل زن چینی حفظ گردد. به همین سبب، روند زندگی و فعالیتهای ادبی زنان نویسنده زیبارو را محکوم می کند. ونگ معتقد است آزادی زن، تنها صرف به دست آوردن آزادی جنسی معاشقه و انجام هر عمل زشت و ناپسندی نیست. او معتقد است زن چینی باید در جامعه حضوری سازنده و فعال داشته باشد، تلاش کند، مادری خوب باشد، و در کنار مردان، به کارهای علمی، عمرانی، ادبی و فرهنگی بپردازد. وی بر این باور است که یک زن باید آزادی اندیشه داشته باشد. در چنین صورتی، او به بازیچه دستان غربیان قرار نمی گیرد، و بدن خود را برای دست یافتن به قدرت و ثروت، عرضه نمی کند.

با گذشت زمان، زنان چینی نویسنده در آمریکا، به عنوان زنان چینی آمریکایی نویسنده مطرح شدند، و در پی آن،

ادبیات نویسندگان زن چینی الاصل آمریکایی پا به عرصه جود گذاشت.

این سؤال برای بسیار منتقدین همواره مطرح بوده که هدف و نیت واقعی این حرکت ادبی چه بوده است؟ انگیزه اصلی این زنان از نویسندگی چه بوده است؟ و آیا به غیر از صدمه زدن بر پیکره فرهنگی سرزمین مادری خود، و ترویج فحشا، حرف دیگری برای گفتن دارند؟

آنان در جواب به این سؤالات می گویند: «ما در صدد بیان اعتراض خود به قوانین سخت و دست و پا گیر چین هستیم». آنان زندگی خصوصی خود را مربوط به فرد خود می دانند، و دوست ندارند ایشان را به عنوان زنان بی بند و یار و بی فرهنگ قلمداد کنند. این ادبیات، که خالقانش، همگی در خدمت استعمارگران هستند و آشکارا نیز به آن اعتراف دارند، نوعی مخاطبان خاص را برای خود یافته اند، و همواره از یک منبع، آنها را سیراب می کنند.

ادبیات چینی آمریکایی در حقیقت پشتیبان فرهنگ بی هویت آمریکایی است، و در صدد است تا این فرهنگ نامنسجم را به تمامی کشورها، بخصوص کشور چین، صادر کند.

محققین غربی، خود به این مسئله معترف هستند که اینگونه آثار، علی رغم تیراژهای بسیار بالا و توزیع بسیار ایده آل، آن چنان، طبقه روشنفکر، دانشجو و محققان را به خود جلب نکرده اند. به همین سبب، برای غربیان این سؤال مطرح شده که چرا اندیشمندان غربی، از پذیرش آثار ادبیات چینی آمریکایی، سر باز می زنند؟

ماکسین، اچ، کینگستون Maxine Hong Kingston

جزو نسل دوم نویسندگان چینی الاصل آمریکایی به حساب می آید. او به دلیل حمایت استعمارگران، در جهان غرب به شهرت زیادی رسیده است. مشهورترین رمان او «زنان جنگجو» نام دارد. در این اثر، او بر آن است تا اضمحلال و نابودی تمدن و فرهنگ چین را به اثبات برساند، و به نوعی، به بدگویی از تمدن چینی مبادرت می ورزد. کتاب مذکور، با واکنش بسیار شدیدی از سوی مخاطبین مواجه گشته است. معترضین او، تنها مردم چین نیستند؛ بلکه تمامی افراد اهل کتاب و صاحب اندیشه، نسبت به این کتاب بی محتوا، ابراز انزجار کرده اند. برخی از صاحب نظران بر این باورند که آثار کینگستون، ارزش نقد و تحلیل ندارند. کینگستون تنها از قصه هایی که مادرش برای او تعریف می کرده حمایت می کند، و به طور آشکار، خود را در مقابل سایر باورهای مردم چین، از هر نوع و جنسی قرار می دهد.

در پایان، اشاره به این نکته ضروری است که استعمارگران، به خوبی دریافته اند که «ادبیات استعمار نو»، یا هر سبک و سیاقی، آنچنان جایگاه مناسبی میان طبقه روشنفکر و صاحب اندیشه ندارد.

با این حال، آنها باز هم در تلاش هستند تا آثار نویسندگان استعماری چون سلمان رشدی کینگستون و غیره را منتشر، و از آنها حمایت کنند.

منابع:

۱. Chinese American literature by women, (Maxine Hong Kingston)
۲. Chinese women's literature, Post and present, Deborah Johansen
۳. The persona lization of literature: Chinese women's writing in the ۱۹۹۰, Hong jiang